

# باز هم کمیسیون سازی

محمد رضا هویدا

واقعا بحث بر سر پروژه توتاب از حالت تکنیکی خارج شده و جنبه سیاسی به خود گرفته است. این بحث سالهاست که در محافل حکومت مطرح بوده ولی در حکومت جدید حدود شش ماه است که این بحث جریان داشته و بخش هایی از حکومت به نحوی درگیر در این بحث بوده اند. از زمانی که این موضوع مطرح شده، هم ریاست جمهوری و هم ریاست اجرائیه مستقیما روی آن کار کرده اند، با شماری از همین کسانی که امروزه بر تصمیم کابینه اعتراض بحث و گفتگو کرده اند.

ریاست جمهوری در ساعات پایانی روز گذشته، بعد از آنکه گردهمایی اعتراضی نسبت به مصوبه کابینه در انتقال برق از مسیر سالنگ، در یک پیام ویدیویی، از تشکیل یک کمیسیون برای بررسی همه جانبه این قضیه خبر داد. او گفت: در خصوص این پروژه دیدگاه های متفاوتی از سوی رهبران سیاسی، نهادهای مدنی، فعالان اجتماعی و متخصصین این عرصه مطرح شده است، به منظره‌ی این که دیدگاه ها همه جانبه بازتاب پیدا بکند و گام های انکشافی بزرگ با اجماع ملی به اجرای گذاشته شود، من کمیسیون ملی را توظیف می کنم که اعضای آن در مشوره با نماینده گان مردم و فعالان سیاسی، مدنی و تخصصی تعیین شود تا با مرور و بررسی همه اسناد و اوراق مربوط به این پروژه ملی، دیدگاه کامل و منسجم را، کمبود اقتصادی و تاثیرات اجتماعی آن را به بررسی گرفته باشد و دیدگاه را به حکومت رایب بکند تا در روشنی آن تصمیمی در آینده اتخاذ شود.

تکالی در این مورد قابل یادآوری است: اول اینکه اسناد این پروژه به ادعان ریاست جمهوری و برشنا و وزارت انرژی سالهاست که در دواير دولتی می چرخد و مطمئنا در طول این سالها می بایست کسانی که در این زمینه کار می کنند باید خوانده باشند و از جزئیات قضیه آگاهی کامل داشته باشند.

دوم اینکه، ریاست جمهوری، پیش از این ریاست اجرائیه را وظیفه داده بود تا با نمایندگان و معاون ریاست جمهوری و اجرائیه بنشینند و موضوع را نهایی کرده به ریاست جمهوری بفرستند. ریاست اجرائیه یک جلسه را نیز با همین ترکیب داشته است و جلسه دوم را برگزار نمی کند، که نهایتا موضوع بدون نهایی شدن به کابینه فرستاده شده است. ریاست جمهوری نیز که خود حکم به نهایی سازی آن داده بوده، موضوع را به صورت عاجل وارد جلسه کرده و به تصویب کابینه رسانیده است.

ادارات موظف در این چند روزی که بحث با داغ شده است، نه تنها به صورت بی طرفانه و غیر جانبدارانه، بلکه با ادبیات و لحن جانبدارانه و گاهی حتا توهین آمیز با معترضین برخورد کرده اند و اذهان عمومی را کاملا مشوش ساخته و بحث را از حالت تخنیکی خارج ساخته و به سوی یک بحث کاملا داغ سیاسی برده اند.

در نهایت نیز نسخه ای که ریاست جمهوری برای این درد نوشته، بعید است که به درمان بیانجامد. ساختن کمیسیون برای موضوعات داغی چون این موضوع هرگز راه به جایی نمی برد و دردی را درمان نمی سازد. معمولا رسم بر این بوده که کمیسیون ها برای اطلاع موضوعات استفاده می شوند تا اصل موضوع به نحوی به فراموشی سپرده شود. کمتر کمیسیون در چند سال اخیر نتیجه واضح و روشنی برای مردم داشته است تا مردم بتوانند بر اساس آن نتایج تحقیقات کمیسیون ها را شاهد باشند. علاوه بر این، ریاست جمهوری باید به سوالات مردم بخشی از افغانستان جواب داشته باشد. دولت نباید برای وارد ساختن مردم در پروژه های انکشافی و اقتصادی انتظار مذاکره با مردم را داشته باشد، بلکه دولت باید برنامه داشته باشد. دولت باید برنامه ارائه بدهد برای بازسازی و توسعه نه اینکه بر سر ارایه خدمات چانه بزند و کم و زیاد کند.

ریاست جمهوری حتا اگر موضوعی را از حکومت گذشته به ارث برده و حال ادامه آن را کار می کند، ولی متوجه شود که کار دولت گذشته ظالمانه و مخالف با روحیه وحدت ملی است، وظیفه دارد تا جدا با آن برخورد کند و موارد غیر عادلانه را تصحیح کرده و از بین بردارد.

پس از این که حمله انتحاری و مسلحانه بر قطعه محافظت از رجال برجسته سیاسی صورت گرفت و در آن حادثه فراموش ناشدنی، ده ها انسان قربانی شدند، رأس هرم رهبری حکومت، تغییر موضع داده و با آمدن در پارلمان تحت عنوان جلسه مشترک شورای ملی و حکومت، سخن های تندتری را بر علیه برخی از گروه طالبان به زبان آورد. درست در همان شب و روزها، دستور دیگر رئیس جمهور به سازمان های نظامی - امنیتی رسانه یی شد که حاوی یک پیام جدی و کوبنده بود: به گروه طالبان امان ندهید. با استفاده از فضای به وجود آمده که افکار عمومی بیش از پیش ضد طالبانی و تروریست ستیز شده بود، جوان ها در شبکه های تاثیرگذار اجتماعی و رسانه ها و خانواده های قربانیان در محافل و مجالس ختم قرآن کریم و فاتحه خوانی، خواستار پیگرد جدی تروریست ها و اعدام آن ها شدند. حکومت جهت پاسخ دهی به این تقاضا اعلام کرد که پرونده های برخی از متهمان حمله های تروریستی در دست کار بوده و پس از ارزیابی دقیق در صورت اثبات جرم، حکم اعدام برخی از آن ها توسط رئیس جمهور توشیح خواهد شد. پس از این روزها انتظار، سرانجام، این خبر، حلق آویز شدن شش نفر تروریست، روز شنبه از طریق رسانه های همگانی اعلام شد.

بدون تردید که اعدام شش نفر از مجرمان حمله های تروریستی که در آن ها ده ها و صدها انسان به گونه یی گناه به قتل رسیده اند، لیکن در این مورد باید به این نکته توجه کرد که در رسانه های همگانی بازتاب و طغی سوری کرده اند، نفس راحت بکشند. می آورد و باعث می شود که آشک شادی بریزند و پس از مدت ها که با درد و رنج و غم سپری کرده اند، نفس راحت بکشند. مردمی که در رسانه های همگانی بازتاب یافت، استقبال همه مردم عالی بود. از این اقدام ریاست جمهوری و قوه قضائیه ستایش شده و آن را برداشتن گام ارزشمند در راستای تحکیم حاکمیت قانون، ایجاد ترس و دلهره در قلوب تروریست ها و دشمنان مردم و تأمین امنیت دانستند.

ولی به نظر می رسد که انتظارات و توقعات



مردم پایان نیافته است. تنها این شش نفر که جنایت و آدم کشی نکرده بودند. صدها جانی و آدم کش دیگر در زندان های حکومتی است و نیز در بیرون آزادانه می گردند که بایستی گرفتار شده و همه طبق قوانین نافذ کشور مجازات گردند. تازه، کسان که اعدام شدند مجرمان مربوط به حمله های تروریستی سال های پیش بودند. برادر جلال الدین حقانی رهبر شبکه حقانی که بیشترین جنایت ها را در کشور کرده و انتظار مردم می بود که نام اش در فهرست اعدام شدگان باشد، اما نبود. کسان که در سال های پسین مرتکب جنایت های کلان شده و فجایع بزرگ انسانی را سبب شده اند، یا دستگیر شده و در زندان هستند و یا دستگیر نشده اند. بنابراین، انتظارات و توقع مردم این است که جنایتان و آدم کشان به صورت عموم مورد پیگرد شدید عدلی و قضایی قرار گرفته و ملی در سر تاسر کشور از حالت دفاعی

مجرمان در زندان ها هستند که مجازات شان اعدام است، باید به زودترین فرصت ممکن، مانند شش نفر حلق آویز شوند. این طوری، هم پیام واضح به طالبان و دیگر شبکه های تروریستی ارسال می شود که زین پس، حکومت هیچ مدارای سیاسی و قضایی با شما نخواهد کرد و هم به افکار عمومی پاسخ مثبت داده می شود. از سوی دیگر، این امر حکومت را که در دیگر عرصه ها تا کام است، از مشروعیت برخوردار خواهد کرد.

مجرمان در زندان ها هستند که مجازات شان اعدام است، باید به زودترین فرصت ممکن، مانند شش نفر حلق آویز شوند. این طوری، هم پیام واضح به طالبان و دیگر شبکه های تروریستی ارسال می شود که زین پس، حکومت هیچ مدارای سیاسی و قضایی با شما نخواهد کرد و هم به افکار عمومی پاسخ مثبت داده می شود. از سوی دیگر، این امر حکومت را که در دیگر عرصه ها تا کام است، از مشروعیت برخوردار خواهد کرد.

# نسبت قوانین منطق با قوانین طبیعت

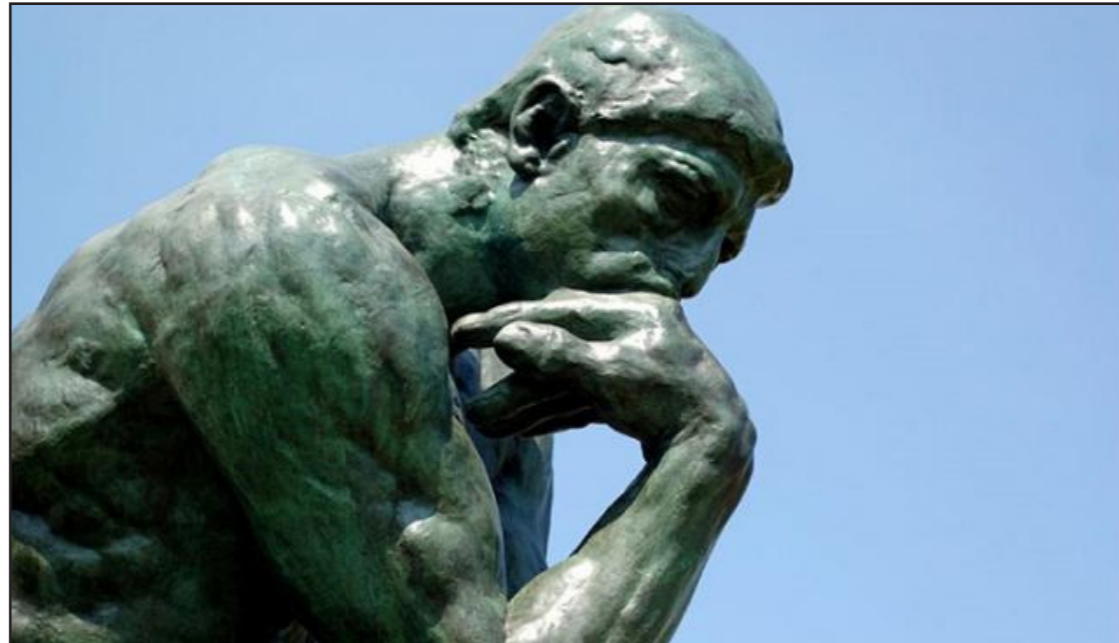
پیتر میتل اشتات، برگردان: علیرضا محمدی/قسمت اول

صدق های منطقی) عمومی هستند و آنها می توانند در هر حوزه ای از علم خارج از منطق، به کار گرفته شوند مثال ها و موارد مورد تعویض می توانند از ریاضیات، فیزیک و زیست شناسی و غیره گرفته شود ولی چنین مثال های تعویضی شده، قید و بند قوانین منطق را برطبق محدودیت های استدلال ریاضی و یا محدودیت های استدلال طبیعی مورد نظر قرار می دهد. این مساله از دو مثال زیر می تواند فهمیده شود:

I) در کاربرد یک دامنه مستطالی، به صورت شهودی فهمیده می شود، که PV~P در می شود زیرا نه EXFX در شهود حفظ و نگهداری می شوند و نه EXFX حفظ و نگهداری می شود هیچ دلیل واحدی برای اینکه به ازای هر n، وجود دارد، در دست نیست. ii) در اصول فیزیک کلاسیک: هر دو خصوصیت (کمی) خارج از هر مشاهده گر می تواند به طور همزمان مشاهده شود (اندازه گیری شود) در حالیکه در فیزیک کوانتوم این مسئله حفظ نمی شود و ترکیب کردن گزاره های منطقی (و خصوصیات) با یکدیگر یا هر ادات منطقی محدود شده است. هر چند به طور کلی از نظر قوانین منطقی این اجازه داده شده است (صدق های منطقی از نظر کوانین) از آنجایی که این محدودیت ها بوسیله قوانین طبیعت اعمال شده است به نظر می رسد که قوانین منطقی به وسیله قوانین طبیعت محدود شده اند و یا به آنها فروگاسته شده اند.

دارد، به طوری که اصول موضوعه لازم نیست ضرورتا فی نفسه بدیهی باشند، بلکه توجیه آنها بر این واقعیت تکیه دارد که ادراک حسی این را ممکن می کند که آنها مستدل شوند. به علاوه همان طور که کوانین می گوید (صدق های منطقی از نظر کوانین) از آنجایی که این محدودیت ها بوسیله قوانین طبیعت اعمال شده است به نظر می رسد که قوانین منطقی به وسیله قوانین طبیعت محدود شده اند و یا به آنها فروگاسته شده اند.

مسئله نشان می دهد که قوانین منطق که بر عناصر (UL) حکومت می کنند بر عناصر (UN) نیز حکومت می کنند. ضمن اینکه قوانینی که بر عناصر (UN) حکومت می کنند قوانین طبیعت نامیده می شوند. در نتیجه اگر منطق عمومی ترین علم است آنگاه قوانین منطق قوانین طبیعت هستند از این رو آنها بر عناصر (UN) نیز حکمرانی می کنند. حال همانگونه که لایب نیتز و گودل می گویند منطق عمومی ترین علم است: «منطق عمومی ترین علم است» و منطق یک علم پیشینی نسبت به سایر علوم است که شامل عقاید و اصول پایه ای همه علوم است.» بنابراین: قوانین منطق قوانین طبیعت هم هستند. ۱-۳ اگر قوانین منطق می توانند به وسیله ادراک حسی توجیه و یاد شوند و بوسیله واقعیات محتمل مورد تجدید نظر قرار بگیرند آنگاه آنها بیشتر قوانین تفکر یا قوانین فرآیندهای تفکر هستند و نه آنطور که فرگه گفت- قوانین صدق. اگر آنها قوانین تفکر یا قوانین روندهای تفکر هستند، پس قوانین طبیعت هستند. حال همانطور که گودل از طرف راسل می گوید قوانین منطقی می توانند بوسیله ادراک حسی توجیه شوند: او [راسل] اصول موضوعه منطق و ریاضیات را با قوانین طبیعت مقایسه می کند و سعی در توجیه شواهد منطق با ادراک حسی



گرفتن از کارایی قواعد و اصول منطقی در طبیعت انجام می دهد.

۱- استدلال ابتدایی اگر قوانین منطق قابل اجرا برای تمام موضوعات هستند، هر آنچه که قابل اجرا برای موضوعات مختلف هست بوسیله علوم طبیعی مورد بحث قرار می گیرد. یک قانون در صورتی برای برخی از موضوعات قابل اجرا است که همه موضوعات حوزه مربوطه، قانون مورد نظر را برآورده سازند. حال اگر قوانین منطق به وسیله همه موضوعات برآورده می شوند هر آنچه که به وسیله موضوعی اشباع شود، آنگاه به وسیله علوم طبیعی نیز همان معامله و رفتار با آن خواهد شد. ضمن آن که قوانینی که به وسیله موضوعات مختلف برآورده می شوند و به وسیله علوم طبیعی نیز برآورده می شوند قوانین طبیعت نامیده می شوند. در نتیجه: اگر قوانین منطق برای همه موضوعات قابل اجرا و کاربرد هستند از این رو قوانین منطق، قوانین طبیعت هستند. حال اینکه مطابق با نظر کانت نیز قوانین منطق قابل اجرا برای همه موضوعات هستند.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتورست: خالق علی زاده

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan  
دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان  
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷